

سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان



www.ketab.ir



مؤلفین:

صادق ستوان

رضا بلوچی

سرشناسه: ستوان، صادق، ۱۳۶۵ -

عنوان و نام پدیدآور: سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان/ مولفین صادق ستوان، رضا بلوچی.

مشخصات نشر: تهران - اندیشگان - ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۸۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۱۰-۰۶-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: مشارکت سیاسی

شناسه افزوده: بلوچی، رضا، ۱۳۵۹ -

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ س۴ س۲/س HQ۱۲۳۶

رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۱۱۶



انستیتوت اندیشگان با حمایت مالی کانون همیاری نور آفرینش



سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان

صادق ستوان - رضا بلوچی

ناظر فنی: صدیقه طلایی

صفحه آرا: معین دلاوری

طراح جلد: علی عشقی

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال



کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر است.

آدرس: تهران - میدان انقلاب اسلامی - خیابان کارگر شمالی بالاتر از نصرت - پلاک ۱۱۴۶

تلفن: ۶۶۵۶۹۸۹۱ و ۶۶۹۳۱۶۶۹ دورنگار: ۸۹۷۸۴۵۵۸

وبسایت: www.hamyari.co

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۸	مقدمه
۱۴	بخش اول
۱۴	تعریف واژه‌ها و اصطلاحات فنی و تخصصی
۱۵	سرمایه اجتماعی
۱۵	انجمن‌های د. طلبانده
۱۶	اعتماد اجتماعی
۱۶	شبکه‌های اجتماعی
۱۶	رای‌دهی
۱۶	فعالیت‌های انتخاباتی
۱۷	عضویت در گروه
۱۷	مشارکت
۱۸	مشارکت سیاسی
۲۰	بخش دوم
۲۰	چارچوب نظری و روش‌شناختی
۲۱	نردبان مشارکت‌ارنشتاین
۲۳	سرمایه انسانی
۲۴	مفهوم نوین سرمایه اجتماعی
۲۵	جیمز کلنن
۳۰	سطوح سرمایه اجتماعی
۳۱	کارکردهای مثبت سرمایه اجتماعی
۳۲	کارکردهای منفی سرمایه اجتماعی
۳۳	از اشکال منفی سرمایه اجتماعی
۳۴	سرمایه اجتماعی منفی
۳۹	سرمایه اجتماعی به منزله ویژگی جوامع و ملت‌ها
۴۴	سرمایه اجتماعی پائنام
۴۵	شبکه‌ها
۴۵	انواع شبکه‌ها
۴۶	هنجارهای همیاری
۴۷	اعتماد
۴۸	اشکال و کارکردهای سرمایه اجتماعی

۵۳	انجمن‌های داوطلبانه و مشارکت سیاسی
۵۶	شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی
۵۷	اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی
۵۹	زنان و انتخابات
۶۴	الگوی رفتاری سیاسی زنان
۶۴	پیروی زنان از شوهران خود در رفتار سیاسی
۶۵	محافظه کاری زنان از نظر سیاسی
۶۷	سنت گرایی زنان
۶۸	سیاست گریزی زنان
۷۱	نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۷۵	پیشنهادها
۷۶	منابع و مآخذ

پیشگفتار

نوشتار حاضر کوششی در راستای بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان بلوچ با رویکرد کمی و از جنس جامعه شناختی می‌باشد. تلاش بر این بود تا از دیدگاهی نو، پرتویی بر برخی از ابعاد نامکشوف موضوع بیفکنیم و تفکر حاکم بر خردورزی‌های سیاسی افراد جامعه و تحول آن را مورد تبیین قرار دهیم. این نوشتار، نخست به عنوان رساله کارشناسی ارشد فراهم و ارائه شده بود و اکنون با تغییراتی به عنوان کتاب منتشر می‌شود. بی‌گمان در این نوشتار کمی و کاستی‌هایی وجود دارد و چنین نیست که هر آنچه انسان می‌اندیشد، به همان گونه جامعه‌ی عمل ببوشد، به هر حال، کاستی‌های این پژوهش ناشی از قصور و ناتوانی نگارنده است و توفیق آن رهین راهنمایی‌ها، همتی‌ها و مساعدت‌های اساتید و عزیزانی است که مرا در انجام آن یاری کرده‌اند. سپاس بیکران خود را نثار الطاف و مراحم بی‌دریغ آنان می‌کنم. از استاد عزیزم جناب دکتر اصغر مهاری سپاسگزارم که از آغاز به طور مستمر بر رساله نظارت داشتند و مرا از دیدگاه‌های ارزشمندی به بهره‌مند کردند. و همچون دوستی کاستی‌های آن را یادآور شدند و دلسوزانه در راه ارتقای آن بسیار کوشیدند.

به گونه‌ای متفاوت این رساله مرهون تأثیر مساعدت‌های پیگیر همسرم بود و بی‌تردید در جریان این فعالیت پژوهشی او نامدانه متحمل زحماتی بسیار شد. از او نیز به خاطر تلاش‌ها و یاری‌های صادقانه و خالصانه‌اش و اندرزند عزیزم که با شکیبایی تمام کم توجهی مرا در این مدت تحمل کرد سپاسگزارم. بی‌گمان نقش مادر و دعا‌های خالصانه‌ی ایشان در گشایش مشکلات رساله را نمی‌توان فراموش کرد. از ایشان نیز به دلیل دغدغه‌ها و مساعدت‌هایشان قدردانی می‌کنم. در خاتمه از اعضای شورای مرکزی انجمن جامعه شناسان شرق و پژوهشکده ایران شناسی واحد بلوچستان علی‌الخصوص استاد عبدالحمید ایران نژاد و جناب دکتر موسی محمودزهی و همچنین از ناصر امیریان، علیرضا فرخ نیا و محمد انوش امینی فرد به خاطر سهمی که در حمایت معنوی و مالی این کتاب داشته‌اند سپاسگزارم.

صادق ستوان

خرداد ۱۳۹۵

مروری اجمالی بر مشارکت سیاسی زنان و سرمایه اجتماعی

مشارکت سیاسی یکی از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است بنابراین با گسترش هر چه بیشتر دموکراسی در جهان، توجه به ابعاد مختلف دخالت مردم در صحنه سیاسی هر کشور پررنگ‌تر می‌شود. «تمایل هر فرد به درگیر شدن در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی» به عنوان یکی از جنبه‌های مهم (رفتار سیاسی) محسوب می‌شود.^۱ به طور کلی، مشارکت سیاسی پدیده پیچیده و دارای ابعاد متعدد است که ارتباط میان جامعه مدنی و جامعه سیاسی را عملی می‌سازد. بنا به تعریفی، «شرکت در فرآیندهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند و بر آن اثر می‌گذارد»^۲ مشارکت سیاسی نامیده می‌شود. به عبارتی دیگر، «فعالیت اجتماعی و داوطلبانه افراد یک جامعه که افراد در آن احساس می‌کنند مستقیم غیر مستقیم، سیاست گذاری عمومی و انتخاب رهبران مشارکت دارند».^۳

ذیل مفهوم مشارکت سیاسی در نظر گرفته می‌شود پس مشارکت سیاسی، اولاً یک کنش اجتماعی است، ثانیاً به شکلی داوطلبانه اعمال می‌گردد، ثالثاً با موقعیت اجتماعی افراد ارتباط نزدیکی دارد.^۴

پیشینه‌ی تاریخی جنبش سیاسی زنان و اندیشه‌های مربوط به آن را باید از انقلاب فرانسه به بعد پیگیری کرد. در طی انقلاب فرانسه زنان به تشکیل باشگاه‌های انقلابی پرداختند. در ایران نیز سابقه واکنش به وضعیت سنتی زنان و دخالت در فعالیت‌های سیاسی به اواخر قرن نوزدهم باز می‌گردد. «فرهنگ مردسالارانه‌ی جامعه‌ی سنتی ایران

۱. راش، ۱۳۸۳: ۱۲۳.

۲. ابر کرامبی و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۸۶.

۳. مک کلاسیکی، ۱۹۶۸: ۲۴۹.

۴. موحد، ۱۳۸۲: ۶.

دیدگاه تحقیر آمیز نسبت به زنان داشت»^۱ و محل فعالیت سیاسی به آنان نمی‌داد. در زمانی که مناصب حساس اجتماعی تنها به مردان سپرده شود، مرد سالاری به منصه‌ی ظهور می‌رسد.^۲ به نوعی «شکاف جنسیتی» دامن می‌زند و سطح روابط اجتماعی زنان را به نفع مردان پایین می‌آورد. نادیده گرفتن عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان به معنای عام توجه به رفتار سیاسی نیمی از جمعیت هر کشور است که میزان دستیابی آن کشور به دموکراسی را به چالش می‌کشد. تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متأثر از جهانی شدن، در کنار تمایل جدی مردم به نهادینه شدن دموکراسی در تمام کشورهای، رویکردهای پدرسالارانه را نسبت به مشارکت زنان به طور عام و مشارکت سیاسی آنان را به طور خاص با چالشی جدی مواجه کرده است. در عصر حاضر، عدم توفیق یک کشور در نال به اهداف مردم سالارانه، نقطه ضعف مهمی برای آن کشور محسوب می‌شود. صحبت از است برار کامل دموکراسی به معنای امکان فراهم آوردن شرایط حضور صرفاً بیشتر زنان در بحث سیاسی نیست، بلکه لزوم درگیر شدن زنان در سلسله مراتب مشارکت سیاسی، از رأی دادن در انتخابات تا گرفتن مقام رسمی دولتی، نیز نقشی مهم در به کمال رسیدن توسعه سیاسی هر کشور را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، شرکت اقلیتی زنان در امور سیاسی به «تعمیل دموکراسی در جامعه» منجر می‌شود.^۳ تصویر کژدیسه‌ای از زنان به دست داده آنان را در حاشیه دیده است. این امر فقط به خاطر حذف زنان از نمونه‌های پژوهشی نیست بلکه هیچ‌یک از پیش داوری‌ها و ناکارآمدی‌ها نظامند است که در نظریه‌های مرد محورانه‌ی متداول وجود دارد. این نظریه‌ها به پژوهش و تفحص در حوزه‌های مربوط به زنان نمی‌پردازند و غالباً زنان را از نمونه‌های پژوهشی کنار می‌گذارند؛ در مواردی هم که زنان را منظور می‌کنند از دیدگاهی است که مرد معیار متعارف می‌داند. در نظریه‌های جامعه شناختی اغلب به جا چون و چرا در دیدگاهی که تفاوت‌های زیستی میان زنان و مردان را برای توضیح و توجیه

۱. بشیریه، ۱۳۷۹: ۲۹۱.

۲. ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۶.

۳. موحّد، ۱۳۸۲: ۵.

تقسیم کار جنسی کافی می‌داند این دیدگاه پذیرفته شده است. جامعه‌شناسان فمینیست در مقابل گفته‌اند که لازم است نظریه‌های فمینیستی پدید آید، یعنی نظریه‌هایی که دنیا را از دیدگاه زنان تفسیر کند، نظریه‌هایی که امکان بازنگری در تقسیم کار جنسی را فراهم کند و مفاهیم تازه‌ای از واقعیت به دست دهد که بازتاب منافع و ارزش‌های زنان باشد و بر تعبیری که زنان خود را از زندگی خویش دارند تکیه کند.^۱ نظریات به کار برده شده در این کتاب نظریه سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام و همچنین نردبان مشارکت ارنشتاین می‌باشد. رابرت پاتنام یکی از نظریه پردازان سرمایه اجتماعی است. او مفهوم سرمایه اجتماعی را در مقیاس متفاوت از بورديو، لین و کلمن به کار می‌برد. اگر چه تعریف او از مفهوم سرمایه اجتماعی مستقیماً تحت تأثیر کلمن می‌باشد. به بیان او سرمایه اجتماعی به خصوصیات از سازمان نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هم‌آری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌نماید.^۲ پاتنام سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد و خود با سه مولفه، به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید که آن‌ها عبارتند از:

۱. شبکه

۲. هنجارهای همیاری

۳. اعتماد

براین اساس درک عوامل اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی زنان، از جمله «سرمایه اجتماعی»، می‌تواند به بررسی روابط متقابل مشارکت سیاسی زنان به عنوان رأی جمع کن بلکه به عنوان کسانی که در صحنه سیاست حضور دارن بپردازد.

مشارکت سیاسی به عنوان جزئی از یک کنش اجتماعی، بسیار مهم و اساسی است. پژوهش‌های پیشین در مورد مشارکت سیاسی زنان در ایران به تأثیر عوامل اجتماعی در

۱. نجم عراقی، ۱۳۸۰: ۲۷۳

۲. پاتنام، ۱۹۹۵: ۶

قالب متغیرهایی چون «فرآیند جامعه پذیری دو جنس»، «تحصیلات»، «شغل»، «طبقه اجتماعی» و حتی متغیرهای روانی چون «جهت گیری‌های عاطفی»^۱ اشاره کرده و از این رهگذر به تبیین مشارکت سیاسی پرداخته‌اند.

مشارکت در فرآیند توسعه هم وظیفه و هم حق زنان است. زیرا روند توسعه و تصمیم‌گیری‌ها باید با نقش‌ها و نیازهای زنان نیز هماهنگ باشد. زیرا نیمی از نیروی فعال جامعه را تشکیل می‌دهند. گرایش‌های عمده پژوهش‌های موجود در جهت اثبات این نکته کلی است که زنان «سیاسی» نیستند، بلکه بیشتر به مسائل زندگی شخصی و خصوصی، «اجتماعی» علاقمندند. پیروی زنان از شوهران خود در زندگی سیاسی و محافظه‌کاری و سنت‌ناپی آنها هم حاکی از این گرایش کلی است. چنین تصویری البته اغلب براساس پژوهش‌های محدود استوار بوده و از این رو قابل بحث است. در چنین پژوهش‌هایی استدلال شده است که زنان کمتر از مردان سیاسی شده‌اند. حداقل این‌که زنان نسبت به سیاست دیدگاهی بیشتر اخلاق‌گرایانه دارند تا واقع‌بینانه. براساس چنین پژوهش‌هایی سیاست به مفهوم تعقیب منافع شخصی از طریق رقابت و ستیز مشغله‌ای مردانه تلقی می‌شود.

سؤالی که در این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که وجود ساختارها و عضویت در گروه‌های دوستی، شغلی (صنفی) خویشاوندی و مدنی، توانمندی زنان و اعتماد مردان طایفه به زنان طایفه می‌تواند آنان را در رسیدن به مشارکت سیاسی یاری نماید؟

در اوایل انقلاب میزان نفوذ ساختارهای پدرسالارانه در کشورمان بود. هر چند در گذشته زنان در برخی جنبش‌های اجتماعی ایران مانند جنبش تحریم تنباکو و جنبش مشروطه نقش داشتند. اما لازم به ذکر است که نقش زنان بیشتر «تبعی» بود و اغلب در حمایت از گروه‌های اجتماعی دیگر مثل علما، روحانیون و روشنفکران صورت می‌گرفت. نه آنکه تحت عنوان جنبش سیاسی خاص زنان مطرح باشد. «تقید به سنت و آداب و

رسوم» جامعه متأثر از پدر سالاری «رعایت شدید حجاب» و محدودیت فعالیت اجتماعی زنان به خانه داری و مراقبت از شوهران و فرزندان از ویژگی‌های وضعیت زنان در جامعه گذشته و بخش‌های سنتی امروزی ایران بوده است.^۱

در مقدمه قانون اساسی «حضور فعال و فراگیر زنان در تمام مراحل این مبارزه عظیم» را متذکر و برابری زنان و مردان را در برابر قانون اعلام می‌دارد. اما شریعت نص قانون اسلامی، چگونگی این برابری را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متأثر از جهانی شدن، در کنار تمایل جدی مردم به نه‌دینه شدن دموکراسی در تمام کشورها رویکردهای پدر سالارانه نسبت به مشارکت سیاسی زنان، طور عام و مشارکت سیاسی آنان را به طور خاص را با چالشی جدی مواجه کرده است.

از دید سیاسی نیز در یک دهه گذشته میانگین حضور زنان در مجالس قانون گذار در آسیای مرکزی، آسیای جنوب شرقی، آسیای جنوبی تا دو برابر افزایش یافته است. سهم آسیا و اقیانوسیه در داشتن زنانی زن در سنجش با دیگر نقاط جهان کمتر بوده است. به گونه میانگین، کمتر از ۱۰ درصد وزیران در آسیا و اقیانوسیه (به جز استرالیا و زلاندنو) زن بوده‌اند. این مناطق در کنار افریقا، شمالی، کمترین شمار زنان وزیر را در جهان داشته‌اند!

امروزه، عدم توفیق یک کشور در نیل به اهداف مردم سالاران، نقطه ضعف مهمی برای آن محسوب می‌شود. صحبت از استقرار کامل دموکراسی به معنای امکان فراهم آوردن شرایط حضور صرفاً اکثریت مردان در صحنه سیاسی نیست بلکه، لزوم درگیر شدن زنان در سلسله مراتب مشارکت سیاسی، از رأی دادن در انتخابات تا گرفتن مقام رسمی دولتی است.

در سطح کلان (آسیا و ایران) و چه در سطح خرد (شهرها) از مشارکت سیاسی (نه بعنوان رای جمع کن) پایینی برخوردار هستند. مخصوصاً شهرهایی که مرزی و در حاشیه کشور قرار دارند. با مشخص کردن رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی مشکلاتی از قبیل، بی اعتمادی شهروندان، رفاه (که سرمایه اجتماعی یکی از شاخص‌های آن است)، توسعه پایدار و مقررات زیاد و کار آمدی پایین بر طرف شود.

در دو دهه گذشته سرمایه اجتماعی در شکل‌ها و زمینه‌های مختلف به عنوان یکی از شاخص‌های مفاهیم در علوم اجتماعی پدیدار گشته است. اهمیت سرمایه اجتماعی احیای مشارکتهای اجتماعی برای تداوم دموکراسی و توسعه است. آشکار سازی سرمایه اجتماعی زنان می‌تواند آنها را در راه رسیدن به مقاصد سیاسی‌شان کمک کند تا زنان بتوانند حضور فعال و بیشتر در محرصه سیاست داشته باشند.